

پرسش ۵۲: معنای آیهی ( اما ستمکاران آن سخن را به گونه‌ای دیگر کردند و... )

سؤال / ۵۲: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (فَبَدَّلَ الَّذِیْنَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَیْرَ الَّذِی قِیلَ لَهُمْ فَاَنْزَلْنَا عَلَی الَّذِیْنَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا یَفْسُقُونَ) ([271]). وقال تعالى: (فَبَدَّلَ الَّذِیْنَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَیْرَ الَّذِی قِیلَ لَهُمْ فَاَرْسَلْنَا عَلَیْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا یَظْلِمُونَ) ([272]).

لماذا قال تعالى في الأولى: (فأنزلنا)، وفي الثانية: (فأرسلنا)، وما الفرق بينهما؟ وقال تعالى في الأولى: (يفسقون)، والأخرى: (يظلمون)، وما الفرق بينهما؟

پرسش ۵۲: بسم الله الرحمن الرحيم. ( اما ستمکاران آن سخن را به گونه‌ای دیگر کردند و بر آنان به جزای عصیانی که کرده بودند عذابی آسمانی فرود آوردیم ) ([273]) و خداوند می‌فرماید: ( از میان آنان، آن گروه که بر خود ستم کرده بودند سخنی را که به آن‌ها گفته شده بود، به گونه‌ای دیگر کردند. پس به کیفر ستمی که می‌کردند بر ایشان از آسمان عذاب فرستادیم ) ([274]).

چرا خداوند در آیهی اول می‌فرماید (فَأَنْزَلْنَا) و در دومی (فَأَرْسَلْنَا)؟ فرق میان این دو چیست؟ و نیز حق تعالی در آیهی اول (يَفْسُقُونَ) می‌گوید و در دومی (يَظْلِمُونَ). بین این دو چه تفاوتی وجود دارد؟

الجواب: قال تعالى: (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أذكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلْنَا فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلْنَاكُمْ مَلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ \* يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ \* قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَنْدْخُلُهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ \* قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنَّ اللَّهَ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ

فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَآتِكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ \* قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ \* قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ \* قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ( [275] ).

پاسخ: خداوند متعال می فرماید: (و چون موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید، که از میان شما پیامبران برگزید و شما را پادشاهانی قرار داد و به شما چیزهایی عنایت کرد که به هیچ یک از مردم جهان عنایت نکرده است \* ای قوم من، به زمین مقدسی که خدا برایتان مقرر کرده است داخل شوید و باز پس مگردید که زیان دیده بازمی گردید \* گفتند: ای موسی، در آنجا مردمی جبارند و ما به آن سرزمین درنیاییم تا آنگاه که آن جباران بیرون شوند، اگر آنان از آن سرزمین بیرون شوند به آن داخل شویم \* دو مرد از آنان که پرهیزگاری پیشه داشتند و خدا نعمتشان عطا کرده بود گفتند: از این دروازه بر آنان داخل شوید، و چون به شهر درآمدید شما پیروز خواهید شد و بر خدا توکل کنید، اگر از مؤمنان هستید \* گفتند: ای موسی، تا وقتی که جباران در آنجا نمانند هرگز به آن شهر داخل نخواهیم شد. ما اینجا می نشینیم، تو و پروردگارت بروید و با آن ها نبرد کنید \* گفت: ای پروردگار من، من تنها مالک نفس خویش و برادرم هستم. میان من و این مردم نافرمان جدایی بینداز. \* خدا گفت: ورود به آن سرزمین به مدت چهل سال بر ایشان حرام شد و در آن بیابان سرگردان خواهند ماند، پس برای این نافرمانان اندوهگین مباش) ( [276] ).

في هذه الآيات بيان سبب هذا الرجز أو العذاب، وهو فسق القوم وعدم امتثالهم للأوامر الإلهية التي كان موسى (ع) يأمرهم بها. والحقيقة أنّ هذا الفسق إنما يأتي من شك في نفوسهم بنبوة موسى (ع)، وإنه خليفة الله في أرضه ويجب طاعته. وظهر هذا الشك في كثير من الأحيان في (التيه) عندما اعترضوا على موسى (ع)،

وكفروا بقيادته لهم أو بقيادة أخيه هارون (ع). وهذا الكفر بخليفة الله في أرضه هو الظلم، وهو ظلم لأنفسهم؛ لأنهم الخاسر الأول والأخير في الدنيا والآخرة عندما لا يعترفون أن الملك لله، وإن الله هو الذي يُعين خليفته في أرضه، وإنّ عليهم طاعته (ع)؛ لأنّ طاعته هي طاعة الله، وقبول ملكه (ع)؛ لأنّ ملكه هو ملك الله سبحانه وتعالى. وبالنتيجة، فالظلم لخليفة الله في أرضه هو عدم قبول ولايته الإلهية.

این آیات دلیل این ابتلا یا عذاب می باشد را فسوق قوم و عدم پیروی آنها از اوامر الهی است که موسی (ع) آنها را به آنها امر می نمود بیان می کند. حقیقت آن است که منشأ این نافرمانی فقط از شک و تردیدی ناشی می شد که در وجودشان به پیامبر بودن حضرت موسی (ع) داشتند و نیز تردید به اینکه وی جانشین خدا بر زمینش است و فرمان برداری از او واجب این شک و تردید در سرگردانی آنها بارها نمود پیدا کرد، آنگاه که به موسی (ع) اعتراض کردند و به رهبری او یا به رهبری برادرش هارون (ع) بر آنها، کفر ورزیدند. این کفر به جانشین خدا بر زمینش، ظلم محسوب می شود و ظلم بر خودشان می باشد؛ چرا که وقتی آنها اقرار نمی کنند که زمامداری از آن خداوند است، و این خداوند است که جانشینش در زمین را تعیین می کند و اطاعت آنها از خلیفه اش (ع) واجب می باشد چرا که اطاعت از او اطاعت از خداوند است. و پادشاهی او (ع) را قبول نمی کنند. چرا که پادشاهی او همان پادشاهی خداوند سبحان و متعال است. زیان کار اول و آخر در دنیا و آخرت، خود آنهایند و در نتیجه، ظلم به جانشین خدا در زمین همان عدم پذیرش ولایت الهی او می باشد.

أما الفسق: فهو عصيان خليفة الله في أرضه، وعدم قبول الأوامر الإلهية.

اما (فسق) (نافرمانی): عبارت است از عصیان بر خلیفه‌ی خدا در زمینش و نپذیرفتن فرمان‌های الهی.

ومعنى إنزال العذاب: أي إيقاعه واستقراره على القوم.  
(انزال عذاب): یعنی افکندن و قرار دادن عذاب بر قوم.

أما إرسال العذاب: فهو إرسال الملائكة به، وعندما يأتيهم الأمر الإلهي ينزلونه ويوقعونه بالقوم. فالعذاب المرسل هو عذاب مظل للقوم على وشك أن يوقع بهم، ويمكن أن يوقع بهم بين فترة وأخرى، كما حصل لبني إسرائيل في (التيه)، فكان يقع فيهم الهلاك كلما أدوا موسى (ع) ورفضوا ولايته عليهم وخلفته لله في أرضه. وهناك معانٍ أخرى لإنزال العذاب وإرسال العذاب لا تخص الآيتين، فلا داعي للتعرض لها. أما معنى الآيتين بالخصوص:

اما (ارسال عذاب): یعنی فرستادن آن به دست ملائکه و هنگامی که امر الهی می‌رسد عذاب را نازل می‌کنند و بر قوم فرود می‌آورند. پس عذاب ارسال شده عذابی سایه‌افکنده بر مردم است که هر لحظه ممکن است بر آنان واقع گردد و ممکن است زمانی یا در زمان دیگری بر آنها جاری شود. همان گونه که در زمان سرگردانی برای بنی اسرائیل حاصل شد و هرگاه موسی (ع) را آزار می‌دادند و ولایت او بر خودشان و جانشین خداوند بودنش در زمینش را رد می‌کردند، عذاب و هلاکت بر آنها واقع می‌شد. معانی دیگری نیز برای انزال عذاب و ارسال عذاب وجود دارد که به این دو آیه مربوط نمی‌شود و نیازی به مطرح کردن آنها نمی‌باشد؛ اما در خصوص معنی این دو آیه:

(فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزاً مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ): أي عذبناهم، أنزلنا: أوقعنا بهم العذاب، وهم الذين ظلموا أولياء الله موسى وهارون عليهما السلام، ومن باب أولى ظلموا محمد وآل محمد؛ لأنهم أصل الولاية الإلهية ([277]).

(و بر آنان به جزای عصیانی که کرده بودند عذابی آسمانی فرود آوردیم): یعنی آن‌ها را عذاب کردیم. (آنزلنا) یعنی عذاب را بر آن‌ها فرود آوردیم، و اینها کسانی بودند که به اولیای خداوند موسی و هارون (ع) و در اصل به محمد و آل محمد (ع) که اصل ولایت الهی اند، ستم روا داشته بودند. ([278])

وسبب إنزال هذا العذاب هو: فسقهم وتمردهم على الأوامر الإلهية لله في أرضه، مع شك أو كفر كثير منهم بنبوّة موسى (ع) وخلافته.

علت نازل شدن این عذاب، نافرمانی و تمرد آن‌ها بر اوامر الهی خدا در زمینش همراه با شک یا کفر بسیاری از آن‌ها به نبوت و خلافت موسی (ع) بود.

(فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزاً مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ): أي أرسلنا الملائكة يحملون العذاب فوق رؤوسهم، بسبب نفاقهم وعدم إيمانهم إيماناً حقيقياً، فهم ظالمون لأولياء الله وخلفائه في أرضه (ع)، وإلا فالفسق وحده والمعصية وحدها مع قبول أولياء الله وخلفائه في أرضه لا توجب إرسال العذاب فضلاً عن إنزاله بحسب سنة الله سبحانه وتعالى، فلا يوقع العذاب في الأمم المتمردة على أمر الله سبحانه والمنحرفة عن صراطه المستقيم إلا بعد أن يرسل رسولاً ([279])، ويكذب ويُستهزأ به. والولاية لولي الله سبحانه حسنة لا تضر معها سيئة، ومعاداة ولي الله سبحانه وخليفته في أرضه سيئة لا تنفع معها حسنة ([280]).

۲- (پس به کیفر ستمی که می‌کردند بر ایشان از آسمان عذاب فرستادیم):  
یعنی به جهت نفاق آن‌ها و عدم ایمان راستین، فرشتگانی را فرستادیم که عذاب

را بر بالای سرهایشان حمل می کردند. آن‌ها به اولیای الهی و جانشین او بر زمینش (ع) ستم روا داشتند و گرنه با توجه به سنت‌های خداوند سبحان و متعال، فسقِ (نافرمانی) تنها و معصیتِ تنها در کنار پذیرفتن اولیای خدا و جانشینان او بر زمینش موجب ارسال عذاب نمی‌شود، چه برسد به نازل شدن آن. بر امت‌های متمرّد از فرمان خداوند سبحان و منحرف از صراط مستقیم عذابی واقع نمی‌شود مگر پس از فرستاده شدن فرستاده<sup>[281]</sup> و تکذیب و مسخره کردن او. ولایت ولیّ خداوند سبحان، حسنه‌ای است که هیچ سیئه‌ای به همراه آن آسیب نمی‌رساند و دشمنی با ولیّ خداوند سبحان و جانشینش در زمینش، گناهی است که هیچ حسنه‌ای به همراه آن سودمند نمی‌باشد.<sup>[282]</sup>

ومن الآيتين نفهم أنّ الله سبحانه يُرسل العذاب على الأمة إذا عرضت عن ولي الله وخليفته في أرضه، ثم إنّ هذا العذاب ينزل بهم إذا استمروا على فسقهم وتمردهم على الأوامر الإلهية المبلّغة لهم. وربما يُرسل العذاب وينزل بهم مباشرة إذا حقت عليهم الكلمة بعد أن ظلموا ولي الله وفسقوا عن أمر الله سبحانه، والحمد لله وحده.

از این دو آیه می‌فهمیم که اگر امت از ولیّ خدا و خلیفه‌ی او در زمینش روی برگرداند، خدای سبحان عذاب را می‌فرستد. سپس اگر آن‌ها بر نافرمانی و تمردشان بر اوامر الهی که به آن‌ها ابلاغ می‌شود اصرار ورزند، این عذاب بر آن‌ها فرود می‌آید، و چه بسا پس از آنکه به ولیّ خدا ستم روا داشتند و از پیروی امر خداوند سبحان سربرتاقتند، اگر سخن خداوند بر آنان محقق شود، عذاب ارسال شود و بلافاصله بر آن‌ها فرود آید. والحمد لله وحده.



[271] - البقرة : 59.

[272] - الأعراف : 162.

[273] - بقره: 59.

[274] - اعراف: 162.

[275] - المائدة : 20 - 26.

[276] - مائده: 20 تا 26.

[277] - عن داود الرقي، قال: سألت أبا عبد الله (ع) ... إلى أن يقول (ع): (... فلما أراد الله أن يخلق الخلق نثرهم بين يديه فقال لهم: من ربكم؟ فأول من نطق: رسول الله وأمير المؤمنين (ع) والأئمة صلوات الله عليهم فقالوا: أنت ربنا فحملهم العلم والدين، ثم قال للملائكة: هؤلاء حملة ديني وعلمي وأمنائي في خلقي وهم المسؤولون، ثم قال لبني آدم أقروا لله بالربوبية ولهؤلاء النفر بالولاية والطاعة، فقالوا: نعم ربنا أقرنا، فقال الله للملائكة: أشهدوا. فقالت الملائكة شهدنا على أن لا يقولوا غداً إنا كنا عن هذا غافلين أو يقولوا إنما أشرك آبائنا من قبل وكنا ذرية من بعدهم أفتهلكنا بما فعل المبطلون، يا داود ولايتنا مؤكدة عليهم في الميثاق) الكافي: ج 1 ص 133 - 134 ، ح 7.

[278] - داوود رقى می گوید: از ابو عبدالله (ع) پرسیدم ... تا این که فرمود: (....هنگامی که خداوند عزوجل اراده فرمود خلق را خلق نماید، آن‌ها را خلق کرد و در پیش گاهش منتشر نمود. سپس به آن‌ها فرمود: پروردگارتان کیست؟ اولین کسی که زبان گشود رسول خدا بود(ص) و امیرالمؤمنین و ائمه که صلوات خداوند بر همه‌شان باد، بودند که گفتند: تو پروردگار ما هستی. پس علم و دین را بر ایشان حمل نمود. سپس به ملائکه فرمود: اینان حاملان دین من و علم من و امینانم در خلقم هستند و آن‌ها مسؤول می‌باشند. سپس به بنی آدم فرمود: به ربوبیت خداوند و هم‌چنین به این افراد به جهت اطاعت و ولایت اقرار کنید. گفتند: آری پروردگار ما، اقرار و اعتراف نمودیم. سپس خداوند جل جلاله به ملائکه فرمود: گواه باشید. ملائکه گفتند: ما شاهدیم که فردا نگویند ما از این موضوع بی‌خبر بودیم یا بگویند جز این نیست که پدران ما پیش از این مشرک بودند و ما نسل بعد از آن‌ها هستیم؛ آیا ما را به خاطر آن‌چه باطلین انجام داده‌اند، هلاک می‌کنی؟! ای داوود! انبیا در ميثاق بر آن‌ها تاکید شده است). کافی: ج 1 ص 133 و 134 ح 7.

[279] - قال تعالى : (وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا) الاسراء : 15.

[280] - ولهذا ورد عن عبد الله بن مسعود قال: قال رسول الله : (يا علي - كمثال لسادة أولياء الله وخلفائه في أرضه، وإلا فما قاله فيه جارٍ في الأوصياء من بعده وخلفاء الله في أرضه جميعاً - لو أن عبداً عبد الله مثل ما قام نوح في قومه، وكان له مثل أحد ذهباً فأنفقه في سبيل الله ، ومد في عمره حتى حج ألف حجة ثم قتل بين الصفا والمروة، ثم لم يوالك يا علي لم يشم رائحة الجنة ولم يدخلها، أما علمت يا علي أن حبك حسنة لا تضر معها سيئة، وبغضك سيئة لا تنفع معها طاعة، يا علي لو نثرت الدر على المنافق ما أحبك، ولو ضربت خيشوم المؤمن ما أبغضك،



لان حبك إيمان وبغضك نفاق، لا يحبك إلا مؤمن تقي، ولا يبغضك إلا منافق شقي) بحار الأنوار: ج 39 ص 280،  
نقلاً عن بشارة المصطفى: ص 114.

[281] - خداوند متعال می فرماید: (و ما هیچ قومی را عذاب نمی کنیم تا آن گاه که برایشان فرستاده ای بفرستیم ((  
(اسراء: 15).

[282] - از همین رو از ابن مسعود روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمود: (ای علی به عنوان سرور اولیای  
خداوند و جانشینانش در زمینش، وگرنه آنچه ایشان(ص) فرموده است در تمام اوصیا پس از او و تمام جانشینان  
خدا در زمینش، جریان دارد. اگر بنده ای خدا را به مدت عمر نوح که در میان قومش قیام کرد به عبادت خدا  
بپردازد، و به مقدار کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق کند، و بر فرض به قدری عمر کند تا بتواند با پای  
پیاده هزار سال حج به جا آورد، و بعد بین صفا و مروه کشته شود، اما ولایت تو را قبول نداشته باشد بوی بهشت به  
مشامش نمی رسد و داخل آن نمی شود. ای علی! آیا نمی دانی که محبت تو حسنه ای است که هیچ گناهی به همراه  
آن ضرر نمی رساند و کینه و دشمنی با تو گناهی است که هیچ طاعتی همراه با آن نفع نمی رساند. ای علی! اگر بر  
منافق دُر و مروارید بخشش کنی، تو را دوست نخواهد داشت و اگر بینی مؤمن را بشکنی هرگز با تو دشمن نشود؛  
چرا که محبت تو ایمان و دشمنی با تو نفاق است، و تو را دوست ندارد مگر مؤمن پرهیزگار و تو را دشمن نخواهد  
داشت مگر منافق بدبخت). بحار الانوار: ج 39 ص 280؛ روایت شده از بشارت المصطفى: ص 114.